



مقایسه بیت‌الحکمه با نظامیه

لیلا سادات رحیمیان نسب^۱

چکیده

بیت‌الحکمه و نظامیه دو مرکز پژوهشی-آموزشی اسلامی بودند که در دو مقطع زمانی متفاوت یعنی به ترتیب از اواسط قرن دوم هجری و نیمه دوم قرن پنجم هجری، بنا به الزامات و شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی حاکم بر جامعه اسلامی تأسیس شدند. عملکرد این دو مرکز، بر محور فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی و تألیف استوار بوده است و در روند شیوه‌های آموزشی - پژوهشی جهان اسلام و یا حتی در سطح وسیع‌تر، در ارتباط با اروپا، تأثیرات و تحولاتی بس شگرف از خود به جای گذاشته است. این تحولات و تأثیرات، هم پیامدهای مثبت و کارآمد، و هم پیامدهای منفی و سوئی داشته است. بررسی وجوه اشتراك و افتراق این دو مرکز، که در این نوشتار بدان پرداخته شده است؛ می‌تواند ضمن فراهم آوردن شناخت دقیقی از ماهیت آموزشی - پژوهشی این دو مرکز، نقش حکومت در تأسیس این دو، تبیین عوامل ایجاد این دو مرکز، میزان تاثیرگذاری این دو مرکز را در پیشبرد نظام آموزشی و پژوهشی اسلامی، آشکار سازد.

واژه‌های کلیدی: بیت‌الحکمه، مدارس نظامیه، آموزش و پژوهش اسلامی، ترجمه اسلامی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

از اواسط نیمه اول قرن دوم هجری، یعنی بعد از سال ۱۳۲ هجری با تشکیل دولت عباسیان به دست ایرانیان، این امکان را فراهم کرد که تغییر و تحولات گسترده و عمیقی در همه ابعاد زندگی اسلامی رخ دهد. تا جایی که سیاست دولت اسلامی نسبت به موالی به ویژه ایرانیان تغییر کرد. این فرصت را در اختیار ایرانیان قرار داد تا در تمام امور امپراطوری دخالت کنند. خلفای عباسی تحت تأثیر محیط ایرانی، به علوم، ترجمه و نقل کتب علمی از یونانی، سریانی، پهلوی به عربی توجه خاصی مبذول داشتند. دانشمندان راهر چند هم که از دیگر بلاد اسلامی به بغداد آمده بودند، تشویق و حمایت کردند. اولین کسی که از میان خلفای عباسی، به امر ترجمه و تألیف کتب به زبان عربی همت گماشت، ابو جعفر منصور دوانیقی بود. به گونه‌ای که دیگر خلفای عباسی به این امر مبادرت نمودند. کم کم این توجه علمی به يك امر علمی - پژوهشی تبدیل شد. این فعالیت علمی - پژوهشی باعث شد تا مسلمانان با علوم بیگانه آشنا شوند.

در ادامه این نهضت علمی بود، که از اواسط قرن پنجم هجری، مدارس نظامیه توسط خواجه نظام الملک، وزیر مقتدر سلجوقی تأسیس شد. این مدارس، گرچه که در ظاهر برای ایجاد وحدت و جلوگیری از تشتت و تفرقه بین مسلمانان و رقابت با جامع الازهر مصر، ساخته شده بود. ولی در باطن، منظور اصلی خواجه برای رسمیت دادن به فرقه شافعی بود. به گونه‌ای که بخش وسیعی از درآمدهای دولت و بیت المال را به این مدارس اختصاص داد و به این صورت از مذهب شافعی حمایت کرد. حال هدف آن است که با توجه به اهمیت آموزشی - پژوهشی این دو مرکز در جهان اسلام، ضمن شناخت ماهیت این دو مرکز، نقش حکومت در تأسیس، تبیین شرایط و عواملی که در ایجاد این دو مرکز مؤثر بوده‌اند را مورد بررسی قرار داد. سپس با بررسی وجوه مشابه و متفاوت این دو مرکز، پیامدها و آثاری که این دو، بر شیوه‌های آموزشی - پژوهشی علوم اسلامی و حتی در ارتباط با غرب گذاشته‌اند؛ را مورد بررسی قرار دهیم. در این پژوهش، این موضوع را در دو بخش الف (شناخت نظامیه و بیت الحکمه و عملکردشان در تاریخ جهان اسلام، ب) بررسی وجوه اشتراك و افتراق این دو مورد بررسی و تبیین قرار می‌دهیم.

پیشینه بیت الحکمه

از تاریخ دقیق تأسیس بیت الحکمه اطلاع دقیقی در دست نیست. نخستین سنگ بنای آن در زمان انتقال خلافت از بنی امیه به بنی عباس در سال ۱۳۲ ه. ق. نهاده است. زیرا عده‌ای از مورخان بر این باورند که خلفای بنی عباس از جمله ابو جعفر منصور ۱۵۸ ه. ق. اهتمام بسیاری به جمع‌آوری کتب قدیمی و ترجمه آن داشته است. چنانچه منصور طی نامه‌ای از پادشاه روم خواست تا کتاب‌های حاکمان یونانی را برای وی بفرستد. پادشاه روم کتاب‌های اقلیدس را همراه برخی کتب دیگر برای او فرستاد. منصور کتاب‌های دیگری نیز به زبان‌های پهلوی، فارسی، سریانی و عبرانی فراهم نمود و خزانه‌ای از کتب مختلف بنیاد کرد.



این خزانه پس از منصور به مهدی عباسی که وی نیز علاقه‌ی وافری به این گونه کتب داشت رسید. سپس این گنجینه‌ی ارزشمند به هارون الرشید به ارث رسید. هارون الرشید نیز این گنجینه‌ی ارزشمند علمی را به همراه کتاب‌های دیگر که از قبل فراهم نموده بود؛ اقدام به تأسیس بیت‌الحکمه نمود. لذا بنا بر شواهد تاریخی، تاریخ تقریبی تأسیس بیت‌الحکمه به پیش از سقوط برامکه ۱۸۷ ه.ق برمی‌گردد. چرا که خاندان برمکیان در تأسیس بیت‌الحکمه و ترجمه کتب به زبان عربی نقش اساسی داشته‌اند؛ اما سوالی که در اینجا مطرح می‌شود آن است که آیا قبل از تأسیس بیت‌الحکمه مرکزی شبیه به آن در قلمرو اسلامی وجود داشته است یا خیر؟

در جواب این سؤال باید اذعان کرد مراکز علمی نظیر جندی‌شاپور و اسکندریه وجود داشته است که شامل کتابخانه و رصدخانه بوده است. از طرفی بیت‌الحکمه از چند جهت با مراکز اسکندریه و جندی‌شاپور شباهت دارد:

(۱) توجه و اهتمام بیت‌الحکمه به حکمت و علوم یونان، روم ایران. تلاش موسسان آن در فراهم نمودن انتقال علوم یونانی به زبان عربی مانند اسکندریه و جندی‌شاپور.

(۲) اعزام هیئت‌های تحقیقاتی جهت یافتن کتب مختلف در کشورهای هم‌جوار اسلامی که این اقدام در جندی‌شاپور و اسکندریه به چشم می‌خورد.

(۳) انتخاب زبده‌ترین مترجمان و اندیشمندان برای کار در بیت‌الحکمه

(۴) تنوع فعالیت‌های علمی و فرهنگی در بیت‌الحکمه که در این مراکز بخش‌ها و قسمت‌های مختلفی در جنبه‌های علمی، ترجمه، تحقیقات، تألیف و استتساخ در نظر گرفته شده بود. چنانچه در جندی‌شاپور نیز بخش‌های مختلفی برای فعالیت‌های علمی وجود داشته است. (درانی، ۱۳۷۸: ۴۴، ۴۵) شاید بتوان این‌گونه نتیجه گرفت که فکر تأسیس بیت‌الحکمه توسط خلفای عباسی تقلیدی از موسساتی نظیر اسکندریه و جندی‌شاپور بوده است؛ که در ادامه مقاله به طور مفصل به این موضوع خواهیم پرداخت.

اوضاع علمی در زمان بنی امیه

در این دوره ما شاهد فعالیت‌های علمی از سوی چند تن از خلفای اموی هستیم؛ از جمله خالد بن یزید که به سبب توجه‌اش به علوم قدیم آن را حکیم‌آل مروان لقب داده‌اند. وی زمانی که از خلافت مایوس شد متوجه علوم گردید و چند تن از علمای شهر اسکندریه را به سوی خود فراخواند تا به وی علم کیمیا را آموزش دهند. در زمان عمر بن عبدالعزیز که در نقل مدرسه اسکندریه و علوم آن به انطاکیه دخالت داشته است. اما با این وجود نمی‌توان اقدامات منفرد و مذکور را به عنوان شروع فعالیت‌های علمی به صورت جدی تلقی کنیم. در دوران خلفای اموی، غالباً چندان گرایشی به علم و دانش تألیف و ترجمه کتب نداشتند. (صفا، ۱۳۷۴: ۵۵) اما این که چرا در دوره‌ی امویان شاهد چنین وضعی هستیم؟ می‌توان دلایلی را متذکر شد: ۱. اعراب تازه مسلمان شده هنوز سوبات و اعتقادات فکری دوران جاهلیت خود را به همراه داشتند و هم‌چنان معتقد به برتری نژاد عرب نسبت به غیر عرب بالاخص ایرانیان بودند. این خود موجب بی‌توجهی آنان به ملل دیگر شد. ۲. وجود

سیاست محض عربی، در این مدّت همه‌ی مشاغل دیوانی در دست اعراب متعصب و کم ظرفیت بود و سایر اقوام خلافت اسلامی که غالباً دارای سابقه‌ی تمدّنی بودند به هیچ روی حق دخالت در امور خلافتی را نداشتند. ۳. تصوّر اعراب در مورد علم و دانش این بود که اشتغال به علم را امری حقیر و بی‌ارزش می‌دانستند و چندان توجّهی به علوم نداشتند و آن را درمهنه موالی می‌دانستند. ۴. تبدیل دستگاه ساده خلافت از معنویت و روحانیت اسلامی به یک حکومت خود کامه مغرور دیگر فرصتی را برای انجام امور علمی، فرهنگی باقی نمی‌گذاشت. ۴- در این دوران امویان بیشتر متوجّه ادامه فتوحات خود، جنگ و خونریزی، غارت و چپاول دیگر ملّت‌ها بودند؛ و هنوز مرحله حرکت دینی که لازمه‌ی آن اطلاع بر علوم می‌باشد ایجاد نشده بود. (سامی، ۱۳۶۵: ۱۶۹) جنبش و نهضت ترجمه که در زمان عباسیان به وجود آمد، به دو دوره تقسیم می‌شود: ۱. عصر زایش و پیشرفت و ترقّی دانش و فرهنگ اسلامی. ۲. دراکثر رشته‌های علوم و معارف پیشرفت فوق‌العاده‌ای نمایان شده بود.

بیت‌الحکمه

بیت‌الحکمه در معنای لغوی به معنای «خانه‌ی دانش» می‌باشد (نصر، ۱۳۵۹: ۶۳). در مورد زمان تأسیس بیت‌الحکمه در منابع اشاره‌ای بدان نشده است. در برخی از منابع آمده است که زمان ساخت بیت‌الحکمه از زمان معاویه می‌باشد که در قصردارای کتابخانه‌ای بوده است، و در آن کتب احادیث، اشعار را در آن جا جمع آوری می‌کرده است. (سیاهپوش، ۱۳۹۰: ۱۲۰) با توجّه به خدماتی که از بیت‌الحکمه سراغ داریم، قابل پذیرش نیست که در زمان معاویه ساخته شده باشد. شاید نسبت دادن بیت‌الحکمه به امویان به دلیل وجود نوه معاویه، «خالد بن یزید بن معاویه» می‌باشد که بعد از آن که از خلافت مایوس شد متوجّه علوم گردید و وی را به سبب علاقه‌اش به علوم «حکیم آل مروان» لقب داده‌اند. (همایی، ۱۳۶۳: ۴۳) اما نکته‌ی قابل توجّه آن است که این مرکز جریانی بود؛ که در طول زمان و در مسیر فرهنگی ملل ما قبل از خود پی ریزی شد و در مدارس و کانون‌های علمی قبل از خود بالید و سرانجام در بغداد به صورت کامل به ثمر نشست. قبل از پیدایش اسلام علوم مختلف در قلمرو ساسانیان مورد توجّه قرار گرفته بود و آن هم به این دلیل بود که؛ آکادمی آتن توسط ژوستینین بسته شد و بسیاری از دانشمندان مسیحی به ایران پناه آوردند. محققان مسیحی به جمع محققان یهودی، مصری پیوستند. این محققان با تحقیق و تتبع، علوم را گسترش دادند.

آثار ارسطو را با خود به ایران آوردند و آکادمی‌های ایران را با این گونه آثار آشنا کردند. یکی از این مراکز که بسیار مورد توجّه محققان نسطوری مذهب بوده و به عنوان یک مرکز آموزشی ایرانی - نسطوری بدان توجّه می‌شده است «جنّدی-شاهپور» می‌باشد. در این مرکز آثار نجوم، پزشکی، ریاضیات را از زبان‌های هندی، سریانی، یونانی به پهلوی ترجمه می‌کردند و سپس مورد نقد و بررسی قرار می‌دادند. این آکادمی در زمان خود به عنوان یک مرکز علمی بین‌المللی شناخته می‌شد. (نخستین، ۱۳۶۷: ۳۳) این مرکز پس از فتح ایران توسط اعراب، هم چنان به حیات علمی خود ادامه داد. سپس بسیاری از محققان و پزشکان این مرکز به دمشق رفته و زمینه‌آشنایی مسلمانان را با علوم مختلف فراهم کردند.





نخستین ترجمه آثار هندی، فارسی، سریانی به عربی در این مرکز انجام شد و با ظهور عباسیان و تأسیس بغداد در سال ۱۳۲ ق به پایتخت جدید اسلامی منتقل شد. جایی که آموزش و پرورش اسلامی به اوج خود رسید. (نخستین، ۱۳۶۷: ۳۳) شایان ذکر می‌باشد نزدیکی جنبدی شاهپور به بغداد این زمینه را فراهم کرد که خلفای عباسی حاذق‌ترین اطبای این آکادمی را به بغداد دعوت کنند. این پزشکان در بغداد مورد حمایت مالی خلفای عباسی قرار گرفتند و مال، جاه فراوان به دست آوردند. کامیابی اینان زمینه را فراهم کرد که دیگر پزشکان و دانشمندان را از دیگر نواحی به سمت بغداد جذب کنند و مجعی از دانشمندان را تشکیل دادند که بیشتر به یک فرهنگستان شباهت داشت. پزشکان جنبدی شاهپور عادت بر این داشتند که کتب یونانی را از روی ترجمه‌های سریانی آن تعلیم کنند. رفته رفته در کنار این ترجمه‌های سریانی، ترجمه‌های عربی نیز پدیدار گشت و ترجمه‌های عربی جای ترجمه‌های سریانی را گرفت. (اولیری، ۱۳۷۴: ۲۴۳)

دکتر ذبیح الله صفا در مورد تاریخ تأسیس بیت الحکمه در کتاب تاریخ علوم عقلی خود چنین اذعان می‌کند: «نمی‌توان تأثیر بیت الحکمه بر علوم را نادیده گرفت و بیت الحکمه مرکز تجمع علما، دانشمندان، اهل فضل و ادب و... بوده است. به روشنی مشخص نیست که این مرکز در زمان هارون الرشید ساخته شده و یا در زمان قبل از آن. اما چنین به نظر می‌رسد این نهاد در زمان هارون ساخته شده و در عهد مأمون شکوفا شده است.

دوره اول ترجمه در بیت الحکمه

از اوسط نیمه اول قرن ۲ ق یعنی بعد از سال ۱۳۲ ه تشکیل دولت عباسی که به دست ایرانیان انجام گرفت و سیاست محض عربی از میان برداشته شده بود. سیاست دولت نسبت به موالی دگرگون گشته بود؛ فرصت خوبی را در اختیار ایرانیان قرار داد تا با نفوذ در دربار و دخالت در همه شئون، شروع به ترویج علوم و فنون کردند و خلفای عباسی نیز تحت تأثیر ایرانیان قرار گرفتند. (صفا، ۱۳۷۴: ۵۷) از میان خلفای عباسی نخستین خلیفه‌ای که به علوم توجه خاصی نشان داد، ابوجعفر منصور بن - محمد بود و یی به علوم از جمله به نجوم، طب علاقه داشت. به دستوری آثار غیر عربی برای وی به عربی ترجمه شد از جمله این آثار می‌توان: کلیله و دمنه، کتابی از ارسطو در منطق، المجسطی بطلمیوس و... می‌باشد. شایان به ذکر می‌باشد نوع برخورد منصور نسبت به علوم همانند عصر بنی امیه می‌باشد ولی با این تفاوت که از شدت عمل بیشتری برخوردار است. (علوی، ۱۳۷۲: ۴۹) پس از منصور، پسرش مهدی خلافت را به دست گرفت. وی بیشتر گرفتار مسائل دینی و مبارزه با زنادقه و فعالیت‌های آنان بود. تنها نتیجه‌ای که این مبارزات در پی داشت، توجه بیشتر به علم کلام و متکلیمین شد و آن هم برای نوشتن مقالاتی در ردّ زنادقه بود. ولی با این حال مترجمان را نیز مورد حمایت قرار می‌داد تا جایی که در زمان وی خلاصه‌ای در مورد پرورش طیور برای وی انجام گرفت.

در زمان الهادی نیز فرصت کافی برای توجه به علوم و دانشمندان وجود نداشت. نهضتی که توسط ایرانیان در زمان منصور پایه گذاری شد در زمان هارون الرشید به بار نشست. مسلمانان که از قبل نسبت به علوم با نظر شک و تردید به آن‌ها می‌نگریستند، اکنون آن‌ها را راحت‌تر قبول می‌کردند از جمله به پزشکی و فلسفه که در اثر معاشرت دانشمندان با خلفا اذهان

آنها را با علوم و فلسفه آشنا ساختند. تا جایی که در زمان هارون الرشید در جنگ‌های خود با رومیان، بر بلاد آنقره، عموریّه دست یافت؛ دستور داد تمامی کتبی که در زمینه پزشکی، فلسفی و... نوشت شده است؛ را جمع آوری کنند و آنها را با خود به بغداد ببرند و آنها را به عربی ترجمه کنند. (طوقوش، ۱۳۸۷: ۹۱)

بنابراین میل شدید برای رسیدن به علم باعث شد؛ که پس از ترجمه‌های اول بار، ترجمه‌های دیگر و صحیح‌تری انجام شود. این رشد علمی که در زمان هارون الرشید پدیدار گشت، باعث شد بسیاری از درباریان نسبت به دانشمندان بسیار محترمانه و کریمانه رفتار کنند. البته این درست در حالی می‌باشد که در خارج از دربار، اعراب نسبت به علم به صورت کلی علاقه‌ای نشان نمی‌دادند. این وضع تا پایان خلافت هارون الرشید ادامه داشت. (اولیری، ۱۳۷۴: ۲۵۰) با توجه به این مقدمات و توضیحات مشخص می‌شود که در دوره اول ترجمه، از خلافت منصور و بنای بغداد شروع می‌شود و تا پایان خلافت هارون ادامه یافت. از مترجمان بزرگ این دوره می‌توان: ابونبخت منجم، جورجیس بن بختیشوع، یوحنا بن ماسویه، عبدالله بن مقفع و... را نام برد. (صفا، ۱۳۷۴: ۵۹)

دوره دوم ترجمه در بیت‌الحکمه

دومین دوره ترجمه در عصر عباسی با مأمون شروع شد. این دوران در نهضت ترجمه، نقل علوم و تدوین آن‌ها از مهم‌ترین دوران ترجمه به حساب می‌آید. در طی این دوران مترجمان و علمای بزرگی از نژادهای مختلف در نهضتی که از قبل پیش آمده بود، شرکت کردند و تاچندی این نهضت را پیش بردند. دانشمندان و مترجمان این دوره از خاندان‌های فرهیخته‌ای بودند و شاگردانی نیز تربیت کردند. این نهضت تا اواخر قرن ۴ ه همچنان به قوت خود باقی ماند. (صفا، ۱۳۷۴: ۶۳) این دوران که با خلافت مأمون آغاز می‌شود، دوران اوج و شکوفایی اسلامی می‌باشد. این نشاط علمی باعث شد تا دانشمندان از سرزمین‌های مختلف اسلامی به بغداد سفر کنند و مجمعی از دانشمندان را در بیت‌الحکمه تشکیل دهند. مأمون نیز خود فردی دانش دوست و دانشمند می‌باشد. وی از علوم زمان خود، ادبیات، پزشکی، فلسفه آگاه بود. وی از مادر ایرانی بود و نزد خاندان برامکه تربیت یافته بود. هم‌چنین در هنگام خلافت در خراسان با ایرانیان معاشرت یافته بود. و با علوم زمان خود آشنا شده بود. از بین علوم وقت علاقه‌ای شدید به فلسفه داشت. علل توجه وی به فلسفه از آن‌جا ناشی می‌شود که وی به مذهب اعتزال گرایش پیدا کرده بود؛ و با پیشوایان این مذهب معاشرت بسیار داشته بود. وی آنچنان این مذهب را تقویت نمود که علمای اهل سنت به وی لقب «امیرالکافرین» دادند (صفا، ۱۳۷۴: ۶۱) علاوه بر این وزرا و خاندان‌های ایرانی که در دربار مؤثر بودند از هرگونه تلاش و بذل و بخشش مالی دریغ نمی‌کردند. از جمله فضل بن سهل ایرانی که وزیر با کفایت مأمون می‌باشد، که وی را ذوالریاستین لقب داده‌اند. فضل بسیاری از مترجمان و دانشمندان را از اطراف و اکناف ممالک اسلامی به دربار خلافت خواند و آنها را در بیت‌الحکمه مشغول ساخت. (سامی، ۱۳۶۵: ۱۷۰)



بیت‌الحکمه در سراسیبه افول

بعد از مأمون، پسرش معتصم در سال ۲۱۸ هـ.ق به خلافت رسید. وی نیز مانند پدرش سیاست فرهنگی وی را ادامه داد. ولی با این حال گرچه معتصم از دانشمندان و مترجمان حمایت می‌کرد. و تاسده ی ۴ و ۵ هـ.ق کار ترجمه و تألیف همچنان ادامه داشت؛ ولی به تدریج روبه کندي رفت. با این وجود یکی از ویژگی‌های در خور توجه این زمان، بحث و مناظره‌های پربار با مبانی فکری و اندیشه ی یونانی که از قبل وارد جهان اسلام شده بود؛ رونق بیشتری گرفت. (سیاهپوش، ۱۳۹۰: ۱۶)

بعد از معتصم، موثق جانشین وی شد. وی شیفته علم و دانش بود. به وی لقب مأمون صغیر را دادند؛ زیرا که بخشی از وقتش را به بحث و جدل های فکری اختصاص می‌داد. با وجود آن که وی از مترجمان و دانشمندان بیت‌الحکمه حمایت می‌کرد؛ ولی با این مرکز ویژگی فرهنگستانی خود را از دست داد و به یک کتابخانه محدود گشت. به طوری که مورخان بعد از این، آن را خزانه‌المأمون نامیدند. (سیاهپوش، ۱۳۹۰: ۱۶۵) در زمان متوکل عباسی با انتقال مقر خلافت از بغداد به سامرا، که در زمان معتصم انجام گرفته بود. این فرصت را در اختیار ترکان قرارداد تا بتوانند در دربار نفوذ کنند و به مقامات لشکری و نظامی دست یابند. در این زمان ترکان با سیاست‌های خاص خود خلیفه را به خود وابسته کردند. به گونه‌ای که دیگر خلیفه بدون مشورت با آنان کاری را انجام نمی‌داد. از آن جایی که ترکان چندان اهل علم و ادب نبودند، زمینه را فراهم کردند؛ که دیگر اقدام جدی در جهت حمایت از بیت‌الحکمه انجام نشود. با این فضای پیش آمده، مترجمان و دانشمندان بیت‌الحکمه تصمیم گرفتند به فکر تأسیس یک مرکزی شبیه بیت‌الحکمه به نام دارالعلم باشند. به گونه‌ای که این محل را مرکز مناسبی برای ادامه فعالیت‌های پژوهشی و علمی خود تشخیص دادند. به عبارتی با تضعیف بیت‌الحکمه و بروز کشمکش‌های دینی، بسیاری از حامیان علم و ادب برای حفظ دستاوردهای گذشته و گسترش اندیشه مترقی؛ جذب چنین مراکزی شدند. با تضعیف بیت‌الحکمه چند نهاد علمی و ادبی به خزانه‌الحکمه و دارالعلم به تدریج تأسیس شد. (سیاهپوش، ۱۳۹۰: ۱۶۸) بیت‌الحکمه تا اواخر قرن ۴ هـ به شکل یک کتابخانه درآمد بود و محل رفت و آمد دانشمندان بود. ولی با این حال از این قرن به بعد دیگر نامی از آن به میان نیامده است. احتمالاً این مرکز به کتابخانه خلفا ملحق شد یا این که توسط سلجوقیان که آخرین ضربه را به معتزله وارد کردند؛ از هم پاشیده شد.

پیشینه نظامیه

در قرن چهارم هجری ما شاهد اماکن خاص برای تعلیم علوم دینی و فقهی به نام مدارس می‌باشیم. جامعه اسلامی که از درون در حال رشد و شکوفایی بود؛ و یکی از نشانه‌های این پیشرفت فرهنگی، مؤسسات تعلیماتی بودند که نقش بسیار عمده‌ای در پرورش و گسترش علوم و فنون داشتند. با ظهور گروه‌ها و رقابت‌های فرقه‌ای و مذهبی عاملی در جهت تأسیس مراکز آموزشی گردیدند. (درانی، ۱۳۷۸: ۷۶) از آنجایی که این مدارس هر کدام برای فرقه‌ی معینی از فرق اسلامی تأسیس شده بودند؛ پیروان دیگر فرق در آن اجازه‌ی ورود نداشتند.

لذا این سبک از آموزش پایه‌های اولیه‌ی مدارس اسلامی و آموزش به صورت رسمی را ایجاد کردند؛ و تا قرن چهارم هجری هسته‌ی اصلی تعلیم و تربیت را تشکیل می‌دادند. در این زمان افکار علمی در فرقه‌ها رشد کرده بود و هر گروه و فرقه‌ای صاحب نظریات علمی ویژه‌ای بودند؛ و کتب فراوانی در این راستا تألیف کرده بودند. بنابراین اولین مدارس علمی بدین گونه تأسیس شدند. (درانی، ۱۳۷۸: ۷۸) حال سوالی که در این جا مطرح می‌شود این است که آیا خواجه نظام‌الملک اولین کسی است که به تأسیس مدارس همت گماشت یا خیر؟

به عقیده بسیاری از مورخان و تذکره نویسان از جمله ابن‌خلکان، شمس‌الدین ذهبی بر این باور می‌باشند که خواجه نظام‌الملک طوسی بنیان‌گذار مدارس اسلامی بوده و توانسته نخستین مدارس اسلامی را در سراسر قلمرو اسلامی از جمله در مرکز خلافت یعنی بغداد بنیان نهد. اما در این راستا مورخان نیز هستند که با ادعای دیگر مورخان و تذکره نویسان مخالفت می‌کنند از جمله سبکی گفته‌ی ذهبی را مورد انتقاد قرار داده است. وی بر این باور است که خواجه نظام‌الملک از نخستین کسانی است که در اسلام به تأسیس مدرسه اقدام نموده است. اما بر خلاف وی سبکی بر این باور است که تنها خواجه از نخستین کسانی است که در امر آموزش برای طلابشان و منزلت، رتبه، مستمری و حقوق در نظر گرفته است. (کسای، ۱۳۶۳: ۷۴) با این وجود باز در این مورد نیز سبکی دچار تردید و ابهام می‌باشد. زیرا به گفته‌ی خود وی هنوز جای سؤال وجود دارد که آیا این امر در آموزش نیز قبل از تأسیس مدارس نظامیه، رایج بوده است یا خیر؟ و یا این که خواجه با این اقدام خود، نوعی ابتکار عمل نشان داده است؛ و این امر در تاریخ آموزش اسلامی امری نو و بدیع محسوب می‌شود؟ (کسای، ۱۳۶۳: ۷۵)

همان طور که از قبل نیز اشاره شد، قبل از تأسیس و بنای مدارس نظامیه، مدارس مستقل بسیاری نیز وجود داشته‌اند؛ که تأسیس آنها به اوایل قرن چهارم ه.ق صورت گرفته است. در واقع این مدارس یک قرن و نیم قبل از مدارس نظامیه تأسیس شده‌اند. از جمله در بزرگ شهرهایی مثل نیشابور، بلخ، مرو، هرات و به عبارتی در شرق قلمرو اسلامی ما شاهد مدارس علمی بیش از نظامیه‌ها هستیم. از جمله در شهر نیشابور که کانون تبادل دین و اندیشه در دنیای اسلام بوده است؛ که تنها در اینجا به معرفی چند مورد از آنها به صورت مختصر می‌پردازیم:

مدرسه بیهقیه که توسط امام ابوالحسن محمد بن شعیب البیهقی فقیه شافعی ایجاد شده بود.

مدرسه سعیدیه که توسط حاکم وقت نیشابور ساخته شد.

مدرسه استرآبادی که توسط ابوسعید استرآبادی ساخته شد.

مدرسه ابواسحاق اسفراینی که توسط خود وی ساخته شد و خود نیز مدرس آن بود. (درانی، ۱۳۷۸: ۷۸)

که در این جا مجال توضیح نسبت به یکایک آنها نیست.

اما نکته‌ی قابل توجه آن است که چرا با وجود مدارس متعدد قبل از تأسیس مدارس نظامیه، خواجه نظام‌الملک را به عنوان نخستین بانی مدارس اسلامی در قلمرو اسلامی می‌دانند و معرفی می‌کنند؟



با اندکی تأمل در متون تاریخی می‌توان دریافت؛ مدارس که قبل از نظامیه‌ها بنا گردیدند؛ خواه از جانب اندیشمندان و خواه از جانب خلفا و ارکان دولتی بنا شدند؛ همه‌ی آنها جنبه‌ی خصوصی و ملی داشته است. از طرفی این مدارس تعداد محدودی از طلاب را شامل می‌شده است و حتی با یک فقیه و استاد کلاس درس تشکیل می‌دادند. هم‌چنین در مدارس نظامیه اساتید و طلاب حقوق و دستمزد خود را از بیت‌المال دارالخلافه دریافت می‌کردند نه از موقوفات خصوصی و شخصی. (کسایی، ۱۳۶۳: ۷۶) از طرفی این مدارس به صورت منفرد و غیر رسمی در شرق قلمرو اسلامی ظاهر گردیدند. هر مدرسه نام موسسش و یا نام یک استاد معروف را که در آن تدریس می‌نمود به خود می‌گرفت و این گونه مدارس هیچ‌گونه ویژگی رسمی نداشتند. تنها خواجه نظام الملک بود که توانست با موافقت پادشاه وقت در تمامی شهرهای اسلامی و تحت سلطه‌ی خویش مدارس نظامیه را دایر گرداند. هم‌چنین تمامی هزینه‌های این مدارس بر عهده‌ی دولت وقت بوده است. برای طلاب و مدرسان حجره‌هایی برای اقامت شبانه‌روزی، خوراک روزانه، استفاده از کتابخانه و خدمتکار فراهم نموده است.

لذا این اقدام خواجه در نوع خود بی‌نظیر و در زمان خود امری بی‌سابقه و بدیع بوده است. بنابراین کسانی که بر این باور هستند خواجه نظام الملک نخستین کسی بود که به تأسیس مدارس در اسلام اقدام نمود امری صادق و قابل قبول می‌باشد. (همانجا) اما در این باره نیز باید به این نکته توجه کرد، در تأسیس مدارس نظامیه و اهمیت کار خواجه نظام الملک، به عقیده‌ی وی مبارزه با عناصر مخالف تنها با شکست‌های سیاسی و نظامی کافی به نظر نمی‌رسد. بلکه می‌بایست آنان را از طریق فرهنگی و تبلیغاتی نیز مغلوب نمود. در این مبارزه باید همان روشی را در پیش گرفت که آنان نیز اتخاذ نموده‌اند. از این رو به فکر تأسیس مراکز فرهنگی و تعلیماتی افتاد و با بنا و ساخت نظامیه‌ها بلاخص نظامیه بغداد بزرگ‌ترین گام را در راه مبارزه با اسماعیلیه و شیعه برداشت. در ادامه به طور مفصل به این موضوع خواهیم پرداخت.

نظامیه

تأسیس مدارس نظامیه توسط خواجه نظام الملک وزیر مقتدر سلجوقی، با دوران سلطنت آلب ارسلان (۴۵۵-۴۶۵ ه.ق) دومین پادشاه سلجوقی مقارن بوده است. این زمان که یکی از حساس‌ترین مراحل تاریخی جامعه اسلامی بوده است؛ این مدارس به همّت خواجه ساخته شد. این دوران، دوران طلوع نهضت تأسیس مدارس در شرق اسلام و اوج علوم و معارف و ادب پارسی بوده است. با روی کار آمدن ملک‌شاه که مدّت سلطنت‌اش بیست سال طول کشید. وی هم‌چون وزیرش، مردی کاردان و خیر اندیش بود و در عمران و آبادی کشور، تأسیس مراکز عام المنفعه کوشش فراوان می‌کرد. در این زمان خلفای عباسی که با ورود امرای شیعه مذهب آل بویه قدرت خود را از دست داده بودند؛ با ورود سلاجقه سنی مذهب جانی تازه گرفتند و دوباره قدرت ازدست رفته خود را باز گرفتند. در این ایّام مذاهب اربعه تسنن بار دیگر احیا شد.

اوضاع مذهبي

از نیمه دوم قرن ۵ ق و قرن ۶ ق، زمانی است که مجادلات و مناقشات مذهبی و فرقه‌ای و دخالت روسای مذاهب در امور سیاسی بسیار رواج داشت. در این زمان اختلافات شدیدی بین شیعه و سنی و برخورد های داخلی بین مذاهب اربعه به ویژه پیروان شافعی و حنفی رایج شده است. این اختلافات مذهبی از حدّ مباحث علمی بالاتر رفته و به یک تحزّب و دسته بندی سیاسی منجر گردید. این کشمکش‌ها و مناقشات فرقه‌ای جز توسعه‌ی دامنه اختلافات، ریشه کن کردن مبانی ملی، گسستن رشته‌های وحدت اسلامی برای جامعه اسلامی نتیجه‌ای دیگر نداشت. (کسای، ۱۳۶۳: ۱۹)

اوضاع علمی

از مختصات علمی این دوره به ویژه نیمه دوم سده ۵ و ۶ ه، گسترش روزافزون مدارس دینی در نواحی مختلف و تدریس علوم مذهبی می‌باشد. با ورود سلاجقه و با تمرکز قدرت سیاسی و گرویدن به یک مذهب خاص، مراکز متعدّد علمی و فکری از بین رفت و آزادی و استقلال خود را از دست دادند. که خود عامل مهمی در انحطاط فرهنگ و تمدن اسلامی داشته است. (کسای، ۱۳۶۳: ۲۰)

انگیزه خواجه در تأسیس مدارس

۱- توجّه و علاقه‌ای که خواجه به علوم دینی داشت.

۲- جانبداری و حمایت وی از مذهب شافعی و اشاعه آن، زیرا که وی از پیروان سرسخت این فرقه محسوب می‌شد. وی در زمان وزارت خود درصدد یاری به این فرقه برآمد زیرا پیروان مذهب شافعی در اثر تعصبات و سخت گیری‌های وزیر سلف و حنفی مذهب عمیدالملک کندی، در شرایط سخت و آشفته‌ای به سر می‌بردند. وی در این راه تمامی امکانات مادی و معنوی را در انحصار این فرقه قرار داد.

۳- ایجاد یک مرکز نیرومند مذهبی، که با تربیت افرادی مبرز، جدی تا بتوانند جلوی پیشروی و گسترش تبلیغات وسیع اسماعیلی و مبلغان شیعی مذهب فاطمی که در مصر فعالیت می‌کردند را بگیرند.

۴- خواجه شاهد آن بود که، جامع الازهر مصر تا چه اندازه‌ای در اشاعه تبلیغات شیعه توفیق یافته و توانسته بود ولو به صورت مخفی پیروانی در دیگر سرزمین‌ها از جمله در ایران به دست آورد. وی برای مقابله با این مرکز مدارس نظامیه را ایجاد کرد که بتواند دشمن سرسخت خود را در زمینه‌های فرهنگی، مذهبی مغلوب کند. زیرا که وی معتقد بود میدان جنگ به مسائل نظامی و سیاسی ختم نمی‌شود و باید از نظر مذهبی، فکری نیز به جنگ دشمن رفت.

۵- توجّه و نیاز جامعه به علم و علم آموزی.



تعداد نظامیه‌ها

در هیچ یک از منابع تاریخی به طور واضح اشاره‌ای به تعداد نظامیه‌ها نشده است. بیشترین توجه آنان به نظامیه بغداد بوده است. ولی در تعدادی از منابع آمده است؛ که علاوه بر نظامیه بغداد، در شهرهای مانند بلخ، نیشابور، اصفهان، بصره، مرو، موصل، نیشابور نیز دارای نظامیه بوده‌اند. (کسای، ۱۳۶۳: ۷۰)

نظامیه بعد از خواجه

نظامیه با بیش از دو قرن شهرت و اعتباری بی‌مانند که داشت. هم چنان به عنوان یک مرکز فعال علمی، مذهبی در بغداد و دنیای شرق اسلام می‌درخشید. بزرگانی که در خلال این دوره از این مدرسه فارغ التحصیل شدند. هرکدام در عصر خویش به مناصب عالی دولتی و اجتماعی از قبیل وزارت، قضاوت و ریاست مذهبی دست یافتند. ولی طولی نکشید که با مرگ خواجه، تأسیس مدرسه عالیه مستصریه در سال ۶۳۱ ه.ق، با تشکیلاتی وسیع‌تر از نظامیه و با سقوط بغداد به دست هلاکو خان به تدریج زمینه را برای رکود مدرسه نظامیه مساعد نمود. با ضعف مذاهب اهل تسنن بغداد رونق خود را از دست داد و نظامیه به دنبال آن نیز رونق خود را از دست داد. (کسای، ۱۳۶۳: ۲۱۲)

بررسی وجوه اشتراك و افتراق بیت‌الحکمه با نظامیه

نقش ایرانیان در ساخت بیت‌الحکمه

توجه واقعی مسلمانان به علوم از دوران خلافت عباسی آغاز شد. دبیران و مشاوران خلفا از میان ایرانیان انتخاب می‌شدند. عباسیان بر اثر معاشرت با ایرانیان با سنت‌های دوران ساسانی آشنا شده از جمله تشویق علما و عالمان به ترویج علوم، لازم به ذکر می‌باشد که بسیاری از خاندان‌ها و رجالی که در دربار عباسی حضور داشتند اکثراً ایرانی بودند و مترجمین را به ترجمه و نقل علوم ترغیب می‌کردند؛ و مبالغه‌های هنگفتی نیز در این راه صرف می‌کردند. از جمله خاندان آل برمک که از میان آنان وزیری به پا خاستند که توانستند شرایط را برای رشد و پرورش اندیشه فراهم سازند برخی از نامداران این خاندان هم چون یحیی بن خالد وزیر هارون و پسرانش فضل و جعفر و برادرش، محمد بن خالد. آل برمک معمولاً مجالسی را برای مباحثه و مجادله در منازل خود تربیت می‌دادند. (صفا، ۱۳۷۴: ۴۵) با این اوصاف شهر بغداد به اعتبار وجود کارگزاران ایرانی؛ مرکز علمی بزرگی شد که از اطراف ممالک اسلامی مدرسان، دانشجویان را به خود جلب می‌کرد (سامی، ۱۳۶۵: ۲۳۱) به گونه‌ای که در قرن ۳ و ۴ ق مترجمان ایرانی، پهلوی زبان، سریانی زبان به همراه مترجمان از سمت شمال سوریه و شمال عراق به بغداد می‌آمدند کتب بسیاری در مسائل مختلف علمی از قبیل ریاضی، منطق، علم نبات، طب و موسیقی را به زبان عربی ترجمه کردند. این رنسانس علمی تا اوایل قرن ۵ ه امتداد پیدا کرد. (صفا، ۱۳۶۳: ۲۹۴)

نقش ایرانیان در ساخت نظامیه

این مدارس نیز توسط خواجه نظام الملک وزیر مقتدر سلجوقی ساخته شد. وی ایرانی الاصل بود که توانسته بود با درایت و کاردانی خود در دوران سی سال وزارت اش، سر رشته‌ی امور سیاسی، اجتماعی، فرهنگی را به دست گیرد و اعتماد پادشاهان سلجوقی را به خود جلب کند. گفته شده است در ساخت نظامیه‌ها خواجه از درآمدهای شخصی خویش مبالغ بسیار سنگین را برای ساخت مدارس صرف می‌کرد. (کسای، ۱۳۶۳: ۲۲۵)

حقوق مترجمان بیت‌الحکمه

حقوق و دستمزدی که به مترجمان پرداخت می‌شد؛ ظاهراً براساس تعداد آثار ترجمه شده ارزیابی می‌شد. این گونه نقل شده است که مأمون به عنوان پادشاه، هم وزن کتاب‌هایی که چنین به عربی برگردانده بود به وی طلا داده شد. (العش، ۱۳۷۲: ۴۳)

حقوق اساتید نظامیه

برای پرداخت حقوق و دستمزد اساتید و معلمان نظامیه، موقوفات زیاد و وجوه نقدی بسیاری از جانب خواجه مدّ نظر گرفته شده بود. عوایدی که از موقوفات نظامیه به مدرّسان اختصاص داشت به حدّی بود که علاوه بر پرداخت حقوق مدرّسان و هزینه‌های تعمیرات آنچه که باقی می‌ماند، بین شاگردان تقسیم می‌شد. نکته قابل توجه آن است که قبل از نظامیه‌ها، حقوق مادّی مدرّسان چندان نظم و اسقرار نداشت. ولی با گشایش نظامیه‌ها، مدرّسان تحت حمایت دولت قرار گرفتند و آموزش وارد مرحله جدیدی شد. (کسای، ۱۳۶۳: ۲۲۷) علاوه بر حقوق اساتید، نظامیه‌ها کلّیه هزینه‌های تحصیلی، تأمین خوراک و مسکن طلاب را نیز بر عهده داشت. و افرادی که تا قبل از آن در راه تحصیل علم دچار مشقت می‌شدند. اکنون با تأسیس این مدارس از یک حمایت اجتماعی برخوردار می‌شدند. (کسای، ۱۳۶۳: ۱۸۳)

رشته‌های پژوهش و ترجمه بیت‌الحکمه

دانشمندان و مترجمان توانستند در این مرکز، قسمت عمده علوم فلسفی، ریاضی، هیئت، طب، ادبیات ملل دیگر را به زبان عربی ترجمه و نقل کردند. مثلاً هندسه و هیئت را از یونان، ستاره شناسی، تاریخ و موسیقی را از ایرانیان و طب و نجوم را هم از هندیان آموختند و در واقع مسلمانان توانستند، علوم را از دیگر ملل متمدّن اقتباس کردند و چیزهایی بر آن بیفزایند و از مجموعه آنها علوم و صنایع، آداب تمدّن اسلامی را پدید آوردند. (مطهری، ۱۳۵۲: ۳۸۶)



رشته‌های درسی نظامیه

در مدارس نظامیه توجه خاصی به علوم دینی می‌شد، و به طور خاص به تدریس و آموزش اصول و فروع فقه شافعی تاکید می‌شد. اما با افزایش تعداد دانشجویان و وجود استادان مجرب، گسترش دامنه تدرسی علوم را در نظامیه‌ها موجب شد، در نتیجه سایر مواد درسی مانند حدیث، کلام، ادب در حد یادگیری بلاغت عربی، صرف و نحو، لغت و معانی و بیان و بدیع نیز به تدریج به فصول درسی افزوده شد. (کسای، ۱۳۶۳: ۱۳۴)

فلسفه و بیت‌الحکمه

خلفای عباسی بالاخص مأمون، وجه غالب فرهنگی آنها الهام گرفته از عنصر هلنی می‌باشد. همین باعث شد آنان به سوی معتزله گرایش پیداکنند. معتزله گروهی سازمان یافته که از افرادی اندیشمند تشکیل شده بودند که می‌توان افتخارآشنایی سیاسی حوزه فرهنگ اسلامی و برخورد با فلسفه را به آنها نسبت داد. (گوتاس، ۶۵، ۱۳۸۱) نکته قابل توجه آن است که معتزله در این سال‌های حساس بود که فعالیت ترجمه یونانی را به عربی رونق دادند. در واقع نفوذ معتزله در فرمانروایان عباسی موجب شد تا به میراث کلاسیک باستان و علوم اوایل توجه بیشتری داشته باشند. لازم به ذکر می‌باشد که توجه به علوم اوایل و اندیشه‌های مترقی یونانی و ملل گوناگون منحصر به فرقه معتزله نبود و دانشمندان و متفکران اسلامی نیز از حامیان نشر و گسترش علوم عقلی در بیت‌الحکمه بودند. از طرف دیگر معتزله برای بحث و جدل با مخالفان غیر مسلمان ناچار بودند خود را مسلط به منطق و استدلال کنند و لذا راهی نداشتند جز توسل به فلسفه یونانی. این امر موجب شد انگیزه پژوهش و تحقیق در در میان آنها ایجاد شود که خود عاملی در پیشرفت علوم اوایل بود. (سیاهپوش، ۱۳۹۰: ۱۵۸)

فلسفه و نظامیه

فلسفه و سایر علوم عقلی در مدارس نظامیه تدریس نمی‌شد. به رغم این که در دوره نخست خلافت عباسی به علوم عقلی چون فلسفه توجه بسیاری می‌شد و مراکزی مانند بیت‌الحکمه همان طور که از قبل بدان اشاره شد در جهت توسعه این علوم تلاش می‌کردند. ولی در مدارس نظامیه از تدریس استادانی چون خیام، امام فخر رازی و جرجانی که سرآمد مشاهیر فلسفه و ریاضی این دوره بودند، خبری نیست. جریان ضد فلسفه موجود در مدارس نظامیه از زمانه خود متأثر بود، در این دوره تلاش‌های بسیاری در جهت مبارزه با افکار فلسفی صورت می‌گرفت، از جمله امام محمد غزالی که کتاب «تهافت الفلاسفه» را در رد عقاید فلسفه مشایی به کارش در آورد و هم چنین ابن غیلان که در رسال «حدوث العالم» به عقاید ابن سینا تاخت. جالب آن که این دو تن از جمله مدرسان نظامیه‌ها بودند. (کسای، ۱۳۶۳: ۲۷۴)

زبان عربي در بيت الحکمه

تاقيل از تأسيس بيت الحکمه در بغداد، زبان عربي عاري از هرگونه اصطلاحات علمي و فني بود. ولي بعد از رونق گرفتن بيت الحکمه و جذب دانشمندان از ساير بلاد اين زمينه را فراهم کرد که به زبان عربي بيشتر توجه شود و از آن در علوم مختلف استفاده شود زيرا که زبان عربي اين ظرفيت و توانايي را داشت که به يك زبان علمي تبديل شود و از اين زمان به بعد می باشد تمامی کتب علمي که زبان های مختلف بود به عربي بازگردانده می شد.

زبان عربي در نظاميه

زبان عربي به عنوان زبان دين، سياست، علم و ادب در دنياي اسلام رسميت داشت. چنان که در نظاميه زباني که براي تدريس به کار می رفت، زبان عربي بود. (کسايبی، ۱۳۶۳: ۲۱۲)

اعتبارات مالي بيت الحکمه

بيت الحکمه از جمله مراکزي بود که خلفاي عباسي بدان توجه خاصي مبذول داشتند. آن ها براي رونق گرفتن کار ترجمه و پژوهش از دانشمندان و مترجماني که در اين مرکز مشغول به کار بودند؛ حمايت مالي می کردند. به گونه اي که از قبل نيز اشاره شد، گاهي هم وزن کتبي که تأليف و ترجمه شده بود طلا پرداخت می کردند. البته نه تنها خلفا از دانشمندان بيت الحکمه حمايت می کردند، بلکه وزرا و خاندان هاي ايراني هم که در دربار آمد و شد داشتند نيز به بيت الحکمه و فعاليت هاي آنان توجه داشتند همان طور که از قبل بدان اشاره شد از هرگونه بذل و بخشش مالي دريغ نمی کردند.

اعتبارات مالي نظاميه

خواجه به امور مالي مدارس توجه فراوان داشت. وي معتقد بود هزینه های مدرسه باید از محلي تأمين شود که در گذر زمان از بين نرود و کمتر مورد اختلاس و تجاوز غاصبان قرار گیرد. به دستور وي در اطراف نظاميه ها دکان ها، حمام ها، کاروان سراها را خريد و همه را وقف نظاميه کرد. از عوايد اين موقوفات براي اداراهي مدرسه خرج مي کرد. بعد از مرگ خواجه از محل عوايد همين موقوفات بود که هزینه های مدارس تأمين مي شد. اما بر اثر اوضاع و احوال سياسي و اجتماعي جامعه، ميزان درآمد موقوفات همواره ثابت نبود در هر دوره اي دچار نوسان مي شده است و حتي گاهي موقوفات و عوايد مدرسه مورد حيف و ميل تجاوز غاصبان و افراد سودجو قرار مي گرفت. (کسايبی، ۱۳۶۳: ۲۵۴)

ساختمان و بناي بيت الحکمه

اين مرکز علمي داراي ساختمان، تالار، اتاق محل جمع آوري نسخ، مخزن کتاب، رصدخانه بود. هريك از اين قسمت ها مدير خاص خود را داشته است. مؤلف و مترجم در آن مشغول به استنساخ کتب بودند که هريك براي خود مشاوره اي خاص



داشتند. (سیاهپوش، ۱۳۹۰: ۱۲۱) عبارت دیگر بیت‌الحکمه مشتمل بر بخش‌هایی بوده است که هر یک از این بخش‌ها برای انجام امور خاص در نظر گرفته شده بود.

قسمتی جهت توسعه فعالیت‌های علمی، از جمع آوری و ترجمه کتب گرفته تا تحقیقات و تالیفات آثار علمی. قسمتی به عنوان تأمین گروه ستارشناسی ماهر برای اجابت خواسته‌های رؤسا در پیش‌بینی امور. تأمین جا و مکان و تعیین مقرری برای دانشمندانی که متعهد شده بودند در آن جا کار کنند و جلسات علمی ترتیب دهند. دارای کتابخانه‌ای غنی و وسیعی بود که عنصر اصلی بیت‌الحکمه را تشکیل می‌داده است. (العش، ۱۳۷۲: ۷۸) این بنا و گنجینه نفیس تازمان استیلای تاتار بر بغداد و سقوط این شهر در سال ۶۵۶ ه. ق همچنان برقرار بوده است. (غنیمه، ۱۳۷۲: ۸۶)

ساختمان و بنای نظامیه

بنای این مدرسه در ذی‌الحجه سال ۴۵۷ ه. ق آغاز شد و پس از دو سال در دهم ذی‌القعدة سال ۴۵۹ ه. ق آماده افتتاح گردید. نظامیه بغداد سرآمد نظامیه‌های دوره سلجوقی می‌باشد. از نظر زیبایی و کاشی‌کاری و نظام ساختمانی در نوع خود بی‌نظیر و از بزرگ‌ترین مدارس دنیا بوده است. این بنای مجلل و باشکوه تعجب کسانی را که به بغداد سفر می‌کردند را برانگیخته است. نظامیه بغداد دارای فضایی وسیع و ایوان‌های بزرگ مخصوص اقامت فقها و مدرسان، مسجد، غرفه مخصوص مؤذن، دربان، کتابخانه، مخازن مخصوص لوازم سوخت و دیگر مایحتاج بوده است. (کسای، ۱۳۶۳: ۱۱۲)

دانشمندان و مترجمان بیت‌الحکمه

تجمع علمای اسلامی و غیر اسلامی با مرام و مشرب‌های گوناگون؛ فارغ از هرگونه تنگ‌نظری و مترجمان برجسته و نقاد و نسخه‌پردازان و ویراقان، کتابداران و کارکنان با فضل و... و کاتبانی که خود صاحب اندیشه بودند؛ بغداد را به یک مرکز تمدن اسلامی مبدل ساختند. آنان با حمایت مالی خلفا و سیاست تساهل و تسامح و با بهره‌بردن از امکانات؛ به وجود بیت‌الحکمه قوام بخشیدند. (سیاهپوش، ۱۳۹۰: ۱۵۱)

استادان نظامیه

مدرسسانی که برای تدریس در نظامیه انتخاب می‌شدند باید شرایط لازم را برای احراز این مقام داشتند. این شرایط و قیود از جانب خواجه تعیین شده بود. از نظر علمی باید در عالی‌ترین مدارج علمی زمان خود قرار داشتند. از نظر اخلاقی باید مردانی زاهد، عابد، پاکدامن و مورد اعتماد مردم باشند. اما از نظر مذهبی همان طور که از قبل خواجه تعیین کرده بود باید از فرقه شافعی پیروی می‌کردند. چه بسیار دانشمندانی که تنها به خاطر شافعی نبودن از تدریس در نظامیه محروم می‌شدند. (کسای، ۱۳۶۳: ۱۲۵)

پژوهش و بیت‌الحکمه

بیت‌الحکمه که در ابتدای امر مرکزی برای ترجمه کتب علمی از زبان‌های مختلف به عربی و در رشته‌های مختلف چون ریاضی، نورشناسی، فلسفه و... انجام می‌گرفت. به مرور زمان و با ورود دانشمندان بزرگی چون خوارزمی، ابن هیثم و... رونق گرفته بود. به مسائلی در علوم مختلف توجه می‌کردند که از قبل بدان‌ها چندان توجهی نمی‌شد. به گونه‌ای که آنان درصدد پاسخ‌گویی به مسائل و معماهای حل‌نشده بر می‌آمدند. این خود عاملی شد تا کتب بیشتری ترجمه شود و به یک مرکز پژوهشی تبدیل شود.

آموزش و نظامیه

نظامیه تنها یک مرکز آموزشی بوده است و در منابع چندان از تحقیق و پژوهش در نظامیه‌ها چیزی ذکر نشده است. این مدارس صرفاً جهت آموزش مسائل دینی بالاختصاص فرقه شافعی بنا به نیاز جامعه، تأسیس گردیده بود.

تأثیر بیت‌الحکمه بر جامعه اسلامی و اروپا

زحمات مترجمان و دانشمندان بیت‌الحکمه موجب آن شد که مقدار کثیری از کتاب‌های علمی، یونانی، سریانی، پهلوی، هندی به عربی ترجمه شود و در دسترس دانشمندان و طالبان علم قرار گیرد. سرانجام فعالیت‌هایی که در قرون ۲ و ۳ و ۴ هجری برای نقل علوم به تمدن اسلامی صورت گرفت؛ عاملی شد تا دانشمندان در رشته‌های مختلف علوم وارد شوند و آثاری را از خود برجای نهند. ارزش عمده کار این علما در آن است که؛ توانستند با استفاده از علوم مختلف و اتکا بر آنها، علوم را آن‌چه که نزد یونانیان و ایرانیان بیش از اسلام معمول بود، وسعت بخشند و سپس تجارب و تحقیقات خود را بر آنها بیفزایند و بالنتیجه در رشته‌های مختلف علمی ترقیات و پیشرفت‌هایی ایجاد نمایند. لازم به ذکر می‌باشد دانشمندان ایرانی توانستند تا زمان نسبتاً طولانی علوم را منحصر به خود سازند. (صفا، ۱۳۶۳: ۹۷)

علاوه بر این نهضت ترجمه باعث شد زبان عربی که تا آن زمان از هیچ‌گونه نیروی علمی برخوردار نبود به همت مترجمان دارای سرمایه بزرگی از اصطلاحات و تغییرات علمی گردید. (صفا، ۱۳۶۳: ۹۸) در ارتباط با اروپا، نتیجه ترجمه آثار علمی اسلامی دگرگونی عظیمی را در مواد آموزشی اروپای غربی ایجاد کرد. این امر به ویژه در بازسازی و توسعه برنامه آموزشی مدارس چون ریاضیات، پزشکی، نجوم، فیزیک، شیمی و... صورت گرفت که بدون شک این تغییر برنامه آموزشی از رشد دانشگاه‌های اروپا در قرون ۱۲ و ۱۳ م بی‌بهره نماند. بسیاری از کتب علمی که توسط دانشمندان مسلمان نوشته شده بود به لاتین ترجمه گردید و مقدمه‌ای برای پیشرفت‌های علمی اروپا در قرون جدید گردید. از جمله کتاب قانون ابن سینا که در قرن ۱۲ م به لاتین ترجمه گردید و به جای جالینوس که تا مدت‌ها مورد استفاده‌ی مدرسه‌های طب بود، قرار گرفت و تا نیمه‌های قرن ۱۷ م این مقام را حفظ کرد. خوارزمی بزرگترین ریاضی‌دان اسلامی بود که در دنیای ریاضیات عرصه‌ی جدیدی را به وجود آورد و کتاب‌های وی تا سده‌ی ۱۶ م در مدارس اروپای تدریس می‌شد. (سامی، ۱۳۶۵: ۳۶۵)



تأثیر نظامیه بر جامعه اسلامی

تأثیراتی که نظامیه‌ها بر جامعه اسلامی وارد کردند هم جنبه مثبت و هم جنبه منفی داشت. در این قسمت به صورت خلاصه بدان‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. پیشرفت علوم مذهبی: با حمایت بی‌چون و چرای وزیران فرقه شافعی و حمایت سلاطین سلاجقه، خلفای بغداد که از پیروان اهل سنت بودند راه را برای توسعه و پیشرفت علوم مذهبی هموار کردند که در کمتر دوره‌ای نظیر آن را می‌توان پیدا نمود. (کسای، ۱۳۶۳: ۲۶۹)

۲. تأسیس مدارس دولتی و ملی: در نیمه‌ی دوم قرن ۵ سرآغاز عصر جدیدی در تأسیس مدارس اسلامی می‌باشد؛ زیرا که تا قبل از آن، عده‌ای از مردم دیندار برای ذخیره حسنات و کسب پاداش اخروی و نشر علوم به تأسیس مدارس محلی می‌پرداختند. اما با پیدایش نظامیه‌ها پادشاهان و علما برای کسب ثواب اخروی و خدمت به دین و یا به خاطر تحکیم پایه‌های حکومت خویش آموزش را تحت حمایت خویش درآوردند و آموزش و پژوهش یک حالت دولتی به خود گرفت. بسیاری از بزرگان به فکر تأسیس مدارس به تقلید از نظامیه‌ها افتادند. فی المثل تاج الملک رقیب معروف خواجه نظام که پس از وی به وزارت رسید. مدارس نظامیه‌ها در بغداد به نام «تاجیه» تأسیس کرد.

۳. تأثیر برداشته‌های اروپایی: نظامیه‌ها که در نظر بسیاری از مورخان در حکم نخستین مدارس عالی‌ه و دانشگاه‌های اسلامی محسوب می‌شد. علاوه بر آن که موجب تحولاتی شگرف در زمینه تأسیس و گسترش دامنه فعالیت مراکز علمی گردید. از نظر نام اداری و آموزشی نیز موجب تغییر و تحولاتی در دانشگاه‌های اروپایی شد. از جمله مانند دانشگاه سالرنو ایتالیا، آکسفورد که همگی آنها مدتی بعد از دانشگاه‌های اسلامی تأسیس گردیدند که از تأثیر مدارس اسلامی خالی نبوده است.

اما نتایج و آثار منفی که این مدارس بر جامعه اسلامی داشته است عبارت است از:

۱. عدم توجه به برخی از رشته‌های علمی: گرچه که این مدارس خود عاملی در پیشرفت علوم دینی بوده است. ولی هرگز نتوانسته است خارج از یوغ مذهب، مانند دیگر مراکز علمی مانند بیت‌الحکمه خود منشأ پیشرفت‌های علمی به اسلام بود؛ نقش به‌سزایی ایفا کنند و بتوانند مانند سایر رشته‌ها جنبه علمی تحقیقی به خود بگیرد. حتی نتوانسته به جای هزاران فقیه و متکلمی که تربیت کرد اندکی هم ریاضی دان، فیلسوف و پزشک تربیت کند.

۲. عدم ارتباط و تبادل فرهنگ با دیگر جوامع بشری؛ بیت‌الحکمه بغداد نخستین مرکز علمی اسلامی بود که مجمع دانشمندان و محققان محسوب می‌شد و بسیاری از آثار علمی را به عربی ترجمه کردند و زمینه جذب شدن آثار علمی، فلسفی یونان، ایران، هند را در اسلام فراهم ساختند. (نصر، ۱۳۵۰: ۵۶) اما مدارس نظامیه با این که از امکانات مالی، حمایت مسؤلان دولتی برخوردار بود و چنان عظمت و شهرتی داشت که تمام مراکز علمی هم زمان با خود را تحت الشعاع قرار داد. ولی هیچ‌گاه نتوانست با دیگر مراکز علمی و دیگر دانشمندان دیگر بلاد ارتباط و تبادل نظر داشته باشد.

نتیجه‌گیری

نظام پژوهشی - آموزشی که در بیت‌الحکمه و نظامیه به مرحله اجرا رسید؛ در نوع خود بی‌نظیر بود. با بررسی این دو مرکز از جنبه‌های مختلف می‌توان به این صورت نتیجه گرفت که هر دو مرکز، توسط وزرای بزرگ ایرانی تأسیس شدند. شکل‌گیری بیت‌الحکمه و نظامیه بازتابی از حضور پررنگ عنصر ایرانی در عرصه‌ی ترجمه و تعلیم و تربیت می‌باشد. هر دو مرکز، با توجه به نیاز زمانه و پاسخ‌گویی به شرایط سیاسی، اجتماعی و مذهبی شکل گرفتند. این دو مرکز با پرداخت حقوق و دستمزد به اساتید و دانشمندان زمینه را برای جذب افراد دانش‌دوست و دانشمند فراهم کردند که در نوع خود از جمله اقدامات نوآورانه محسوب می‌شود.

این دو مرکز، با ترجمه و تعلیم به زبان عربی این زبان را به یک زبان علمی تبدیل کردند؛ زیرا که تا قبل از آن عاری از هرگونه اصطلاحات علمی و فنی بود. این مراکز، با برنامه‌های مشخص و مدوّن اداره می‌شدند که در قرون بعد، اروپاییان از آنها سرمشق گرفته و از آنها برای اداره‌ی دانشگاه‌های خود استفاده کردند. اما با این حال تفاوت عمده‌ای که بین این دو مرکز وجود دارد؛ آن است که بیت‌الحکمه به عنوان یک مرکز پژوهشی فعال توانسته بود با جذب دانشمندان مختلف از بلاد اسلامی به سمت بغداد، تغییر و تحولات عمده‌ای در دنیای علم ایجاد کند؛ زیرا که دانشمندان و مترجمان با تألیف کتب در رشته‌های مختلف علمی مباحث ارزنده‌ای را به علم اضافه کردند و آن را به سمت ترقی و پیشرفت هدایت کردند. به گونه‌ای که اروپاییان با ترجمه کتب اسلامی به لاتین با آثار علمی دانشمندان دنیای اسلام آشنا شدند و مقدمه‌ای برای پیشرفت‌های علمی اروپاییان گردید. این در حالی است که مدارس نظامیه باعث رکود و انحطاط علوم اسلامی به ویژه رکود علوم عقلی در جامعه اسلامی شدند. زیرا که در این مدارس به غیر از مباحث دینی و مذهبی به سایر علوم چندان توجهی نمی‌کردند و این خود عاملی شد تا زمینه را برای رکود فکری و نظری در جامعه اسلامی فراهم شود. به گونه‌ای که تاثیر این مدارس را تا قرن‌ها بعد می‌توان در جامعه اسلامی مشاهده کرد.

منابع

العش، یوسف (۱۳۷۲). کتابخانه‌های عمومی و نیمه عمومی عربی در قرون وسطی، مترجم اسدالله علوی، مشهد: آستان قدس رضوی.

اولیری، دلیسی (۱۳۷۴). انتقال علوم یونانی به عالم اسلامی، مترجم احمد آرام، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران.

خاکرند، شکرالله (۱۳۹۰). سیر تمدن اسلامی، قم: دفتر نشر تبلیغات اسلامی.

درانی، کمال (۱۳۷۸). تاریخ آموزش و پرورش ایران قبل و بعد از اسلام، چاپ دوم، تهران، سمت.

سامی، علی (۱۳۶۵). نقش ایران در فرهنگ اسلامی، شیراز: نوید.

صفا، ذبیح‌الله (۱۳۴۷). تاریخ علوم و ادبیات ایرانی، تهران: ابن سینا.

صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۳). آموزش و دانش در ایران، تهران: نوین.

صفا، ذبیح الله (۱۳۷۴). تاریخ علوم عقلي در تمدن اسلامي، تهران: دانشگاه تهران.

ضمیري، محمد علي (۱۳۷۷). تاریخ آموزش و پرورش ایران و اسلام، چاپ هفتم، تهران: سامان.

طقوش، محمد سهیل (۱۳۸۷). دولت عباسیان، مترجم حجت‌الله جودکي، چاپ چهارم، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

غنیمه، عبدالرحیم (۱۳۷۲). تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامي، مترجم نورالله کسایي، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران.

کسایي، نورالله (۱۳۶۳). مدارس نظامیه و تاثیرات علمی و اجتماعی آن، تهران، امیرکبیر

گوتاس، دیم‌تری (۱۳۸۱). تفکر یونانی فرهنگ عربی، مترجم محمد سعید حنایی کاشانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

مطهری، مرتضی، (۱۳۵۲). خدمات متقابل ایران و اسلام، چاپ هشتم، قم: دفتر انتشارات اسلامي.

نخستین، مهدی، (۱۳۶۷). تاریخ سرچشمه‌های اسلامي آموزش و پرورش غرب، مترجم عبدالله ظهیری، مشهد: آستان قدس رضوي.

نصر، سید حسین، (۱۳۵۰). علم و تمدن در اسلام، مترجم احمد آرام، تهران: خوارزمي.

همایي، جلال‌الدین، (۱۳۶۳). تاریخ علوم اسلامي، تهران، هما.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی